ماجرای «رتیل های خون ریز» در آلونک وحشت!

اعضای این باند مخوف زنان جوان را داخل کیسه های بزرگ به آلونک وحشت انتقال می دادند و از شکنجه ها و ضجه های آنان فیلم می گرفتند!

اختصاصی خراسان

سر کرده باند: از گریه ها و التماس های زنان لذت می بردم!

سید خلیل سجادپور- سردسته باند مخوف «رتیل های خون ریز» در حالی با اقدامات سریع پلیس مشهد دستگیر شد که زنی عریان زیر شکنجه های بی رحمانه او، در آلونک وحشت قرار داشت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح یک شنبه گذشته، ماموران کلانتری سپاد مشهد از طریق منابع و مخبران محلی به اطلاعاتی از تبهکاری های هولناک در آلونک پشت بام یک منزل مسکونی دست یافتند که ماجرایی مرموز را روایت می کرد. مخبران محلی از ضجه ها و شیون های دلخراش زنانی سخن می گفتند که از اوایل شب تا سپیده دم از «آلونک وحشت» به گوش می رسید!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در پی دریافت این خبر و با توجه به حساسیت موضوع، بلافاصله سرگرد «جعفر عامری» (رئیس کلانتری سپاد) به همراه گروهی از عوامل انتظامی و پس از کسب مجوزهای قانونی از قاضی فرهمندنیا (جانشین معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) عازم منطقه اسماعیل آباد شد تا این ماجرا را از نزدیک واکاوی کند اما وقتی نیروهای کلانتری وارد خیابان میرزا دوستی شدند، صدای شیون های ملتمسانه زنی را شنیدند که دیگر حتی نای ضجه زدن هم نداشت. در این هنگام بود که رئیس کلانتری ماجرای «آلونک وحشت» را به سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) اطلاع داد و بدین ترتیب عملیات ضربتی پلیس در حالی با ورود ماموران به منزل مسکونی آغاز شد که صحنه هولناکی در برابر دیدگان نیروهای انتظامی قرار گرفت. جوان ۲۷ ساله ای، شلاق کابلی را چنان بر پیکر زنی عریان فرود می آورد که دیگر در حال نیمه بیهوشی قرار گرفته بود!

در این لحظه نیروهای انتظامی آرایش نظامی گرفتند و با چند فن دفاع شخصی، جوان شلاق به دست را در حالی زمین گیر کردند که از زخم های پیکر زن مذکور خون بیرون می زد! در همین حال جوان شکنجه گر چون «رتیلی خون ریز» به این صحنه وحشتناک خیره شده بود به طوری که حتی از چشمان او نیز گویی خون می چکید! طولی نکشید که با هدایت مستقیم رئیس پلیس مشهد، عوامل انتظامی پیکر عریان زن جوان را با یک رشته پارچه پوشاندند و برای انتقال وی به مرکز درمانی با امدادگران اورژانس تماس گرفتند. دقایقی بعد امدادگران وارد محله اسماعیل آباد شدند و زن مذکور را که آثار شکنجه های دلخراش روی نقاط مختلف بدنش وجود داشت، در حالی به بیمارستان شهید هاشمی نژاد انتقال دادند که دیگر حتی کادر درمانی هم نگران جان وی بودند!

> **پیکر نیمه جان زن جوان درحالی به مرکز درمانی منتقل شد که آثار وحشتناک شکنجه و ضربات شلاق های خونبار، بی رحمی «رتیل های خون ریز» را به تصویر کشیده بود!**

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با بستری شدن این زن در مرکز درمانی، عملیات پلیس برای افشای راز «رتیل های خون ریز» در آلونک وحشت وارد مرحله جدیدی شد چرا که بررسی فیلم های شکنجه زنان در تلفن همراه «مصطفی- د» (متهم) حکایت از آن داشت که پلیس با یک باند مخوف و خطرناک روبه رو شده است که در بی رحمی و تبهکاری کم نظیر هستند. وقتی ماموران از پله های آجری به پشت بام رسیدند، در کنار آلونک وحشت، گالن های بزرگ حاوی مشروبات الکلی دست ساز را از زیر شن و ماسه های پشت بام بیرون کشیدند که بررسی ها نشان داد سر کرده باند «رتیل های خون ریز» در تولید و توزیع گسترده مشروبات الکلی در مشهد نیز نقش مهمی دارد چرا که حدود ۴۷۰ لیتر مشروبات الکلی به همراه آلات و ادوات تهیه و تولید و تعدادی قمه و شمشیر از این مکان کشف و ضبط شد.

سردسته باند رتیل های خون ریز

ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که «رتیل های خون ریز» از شمشیر و قمه ها نیز برای ترساندن زنانی استفاده می کردند که در چنگ آن ها گرفتار می شدند. کنکاش در فیلم های سیاه درون گوشی تلفن سر کرده «رتیل های خون ریز» حکایت از آن داشت که آن ها زنانی را شبانه به آلونک وحشت می آورند و از صحنه های آزار و اذیت بی شرمانه و شکنجه های دلخراش آنان فیلم تهیه می کنند.

متهم در حال بیرون کشیدن مشروبات از زیر شن و ماسه

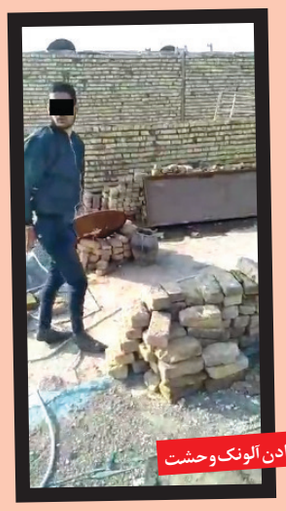
متهم در حال نشان دادن آلونک وحشت

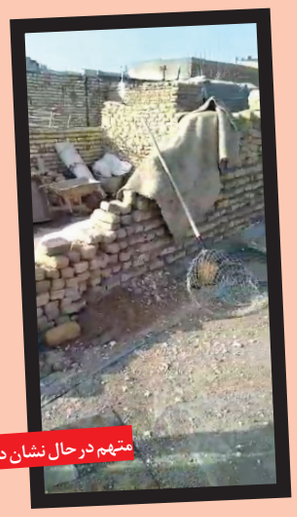

براساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با انتقال «رتیل خون ریز» به مقر انتظامی، بازجویی های تخصصی توسط گروه مشترکی از عوامل تجسس، اطلاعات و مبارزه با مواد مخدر کلانتری زیر نظر سرگرد جعفری ادامه یافت. کنکاش های پلیس با انجام یک سری تحقیقات نامحسوس محلی به ماجراهای تکان دهنده ای رسید که راز باند «رتیل های خون ریز» را فاش کرد. بررسی های بیشتر پلیس، نشان داد که اعضای این باند مخوف در حالی زنان جوان را شبانه با یک دستگاه پراید به آلونک وحشت منتقل می کنند که آن ها را با دهان بسته درون کیسه های بزرگ قرار داده اند.

سر کرده باند «رتیل های خون ریز» در بازجویی ها ضمن اعتراف به مشروب خوری، آزار و اذیت های وحشیانه زنان جوان و شکنجه های دلخراش آنان گفت: من هیچ اعتقاد مذهبی ندارم و از شکنجه زنان لذت می برم! به ویژه وقتی با گریه التماس می کردند که رهایشان کنم ولی من به همراه دیگر همدستانم از آن ها فیلم می گرفتیم و لذت می بردیم، سپس برای آن که کسی جیغ و فریاد آنان را نشنود صدای موسیقی را بلند می کردیم. در همین حال زن ۴۰ ساله نیز عصر روز گذشته در مرکز درمانی شهید هاشمی نژاد به ماموران انتظامی گفت: شب هنگام در خیابان شهید درودی منتظر تاکسی بودم که دو نفر مرا به عنوان مسافر سوار پراید کردند اما چند لحظه بعد با تهدید قمه مرا به آلونکی در پشت بام کشاندند و بعد از آزار و اذیت های وحشیانه در حالی که دست و پایم را بسته بودند، ضربات شلاق را بر پیکرم فرود می آوردند و از ضجه هایم فیلم می گرفتند! هرچه به آن ها التماس می کردم که پسر خردسال و مادر پیرم منتظر من هستند، نه تنها هیچ فایده ای نداشت بلکه بیشتر مرا آزار می دادند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: با صدور دستوری ویژه از سوی مقامات قضایی، ادامه رسیدگی به پرونده «رتیل های خون ریز» به کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی سپرده شد و بدین ترتیب تحقیقات درباره ابعاد دیگر این ماجرای هولناک ادامه یافت.

در امتداد تاریکی

جنایت برای هوسرانی!

آن زمان چنان هوس های شیطانی بر من غلبه کرده بود که هیچ گاه به فرجام این نقشه وحشتناک نمی اندیشیدم. مانند همه قاتلانی که فکر می کنند جنایت آن ها برای همیشه پنهان می ماند، من هم تصور نمی کردم روزی این ماجرا فاش شود چرا که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، مرد ۳۵ ساله ای که چند سال قبل و در پی ارتباط شیطانی با یک زن جوان، همسر او را به طرز ناجوانمردانه ای به قتل رسانده بود، با بیان این که اگر لحظه ای عاقلانه می اندیشیدم که این هوس های زودگذر به طناب دار خواهد رسید، زندگی و آبرویم را نابود نمی کردم، درباره این حادثه هولناک گفت: آن زمان جوان ۲۷ ساله ای بودم که مسیر اشتباهی را در زندگی انتخاب کردم. لذت جویی و هوسرانی در وجودم ریشه دوانده بود به طوری که شیطان مرا به هر سو می کشاند. تا مقطع دبیرستان بیشتر تحصیل نکردم و در شغل های متفاوتی نیز مشغول به کار شدم اما به دلیل خوش گذرانی و تفکرات احمقانه ام هر کاری را خیلی زود رها می کردم تا کار بهتری پیدا کنم، خلاصه آخرین بار یک دستگاه پراید مدل پایین خریدم و با آن در یک تاکسی تلفنی به جابه جایی مسافران درون شهری پرداختم. در این میان یک روز مردی حدود ۴۵ ساله با آژانس تماس گرفت و من هم او را به مقصد رساندم. در طول مسیر با یکدیگر به گفت و گو پرداختیم و در نهایت شماره تلفنم را به آن مسافر دادم که هر وقت به خودرو نیاز داشت، به طور مستقیم با خودم تماس بگیرد تا من هم مبلغی را به عنوان «پورسانت» به آژانس ندهم! چرا که آن مسافر جوان مدعی بود به اقتضای شغلش روزی چند ساعت باید از تاکسی تلفنی استفاده کند! خلاصه از آن روز به بعد روابط من و «م» خیلی بیشتر شد تا جایی که مرا به منزلش دعوت کرد و این رابطه دوستانه رنگ صمیمانه تری به خود گرفت. معاشرت و رفت و آمد من به منزل «م» تا آن جا پیش رفت که دیگر حتی وقتی «م» در منزل حضور نداشت، من به خانه اش می رفتم و همسرش در حالی از من پذیرایی می کرد که حجابش را نیز کنار گذاشته بود. آرام آرام خلوت های شیطانی آغاز شد و من دیگر فقط به خاطر «ز» به خانه مردی می رفتم که به من اعتماد کرده بود. حالا طوری برنامه ها را تنظیم می کردم که در نبود «م» به خانه اش بروم، اگر چه فرقی هم نمی کرد، حتی زمانی که «م» نیز در منزل حضور داشت، تاثیری در این ارتباط شیطانی هوس آلود نمی گذاشت. «م» آن قدر به من اطمینان و اعتماد داشت که مرا عضوی از خانواده اش می دانست تا این که سرانجام این معاشرت ها رنگ جنایت به خود گرفت. وسوسه رفت و آمد راحت و بدون دغدغه به منزل «م» هر روز بیشتر در وجودم ریشه می دواند و در این میان «ز» نیز طوری مرا به دام انداخته بود که بدون چون و چرا خواسته هایش را برآورده می کردم. در نهایت با پیشنهاد «ز» تصمیم به قتل «م» گرفتیم تا او را از بین ببریم، با خودم فکر می کردم چه کسی به این راز پی می برد؟ من و «ز» هم که هر دو در قتل نقش داریم، این راز را در سینه پنهان خواهیم کرد و دیگر به راحتی به این معاشرت های گناه آلود ادامه خواهیم داد ولی از این موضوع غافل بودیم که خدا ناظر بر اعمال انسان است و خون بی گناه روزی گریبانم را می گیرد. سرانجام نقشه جنایت را کشیدم و تعدادی قرص خواب آور در اختیار «ز» گذاشتم تا آن ها را شبانه به همسرش بخوراند! اگر چه بار اول موفق نشد و من هم نتوانستم او را به قتل برسانم ولی بار دیگر تعداد بیشتری قرص در اختیار «ز» قرار دادم و سپس با پیامک شبانه او به منزلش رفتم. «م» به حالت بیهوشی کف اتاق افتاده بود اما نفس می کشید، در همین حال روسری «ز» را گرفتم و آن را دور گردن «م» انداختم و آن قدر کشیدم تا جان داد. سپس جسد او را با کمک «ز» در صندوق عقب پراید گذاشتم و داخل چاهی در یکی از روستاهای اطراف مشهد انداختم. بعد هم به همراه «ز» به یک باغ در همان منطقه رفتیم و من بعد از مصرف مقداری مواد مخدر، او را به خانه اش بازگرداندم! از آن روز به بعد در حالی که «ز» وانمود می کرد همسرش به شهر دیگری رفته و او را رها کرده است با یکدیگر ارتباط داشتیم. این ارتباط شیطانی حدود دو سال دیگر هم بعد از ارتکاب قتل ادامه داشت تا این که «ز» با مردی ازدواج کرد و به دنبال سرنوشت خود رفت. من هم که اوضاع را این گونه دیدم با دختری ازدواج کردم و دوران نامزدی را می گذراندم که پلیس به سراغم آمد و مرا دستگیر کرد. ابتدا قصد داشتم خودم را بی خبر از ماجرای قتل «م» نشان دهم اما وقتی «ز» را در پلیس آگاهی خراسان رضوی دیدم، دیگر نتوانستم موضوع را پنهان کنم چرا که او همه ماجرا را لو داده بود و ...

ماجرای واقعی براساس یک پرونده قضایی

جاسازمیلیاردی سیم و کابل های سرقتی در کامیون های حامل ضایعات

توکلی- دو کامیون حامل ضایعات با کشف انواع سیم و کابل سرقتی در شهرستان های شهربابک و زرند توقیف شد.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهربابک بیان کرد: به دنبال سرقت سیم و کابل های هوایی انتقال نیرو در این شهرستان و با بررسی های انجام شده مشخص شد سارقان کابل های سرقتی را برای ذوب به استان های مرکزی انتقال می دهند.

سرهنگ حسن عبدلی افزود: در ادامه نیروهای پلیس با افزایش تیم های ایست و بازرسی، از زیر بار ضایعات یک دستگاه کامیون عبوری در محور اصلی این شهرستان هزار و ۱۰۰ کیلو انواع کابل مسی، ۲۲ عدد کلکتور اتصالات دستگاه های گرم کننده منازل و ۱۷ عدد قطعات مربوط به حمل و نقل ریلی و دیگر اموال سرقتی را کشف کردند. وی تصریح کرد: کارشناسان مربوط ارزش این اقلام سرقتی را که توسط تعدادی مالخر از سارقان خریداری و گردآوری شده بود، ۳۰ میلیارد ریال برآورد کردند که در این زمینه یک متهم دستگیر و پس از بازجویی و معرفی عوامل خرید اموال سرقتی، تحویل مرجع قضایی شد. بنابراین گزارش سرهنگ ترابی فرمانده انتظامی زرند کرمان هم از کشف یک تن سیم و کابل برق سرقتی از یک کامیون خبر داد که به صورت ماهرانه ای در بین مواد ضایعاتی جاساز شده بود و گفت: در این زمینه یک متهم دستگیر شد.

بازداشت سرهنگ قلابی که پلیس را بدنام کرده بود

اویک مامور قلابی وشیاد بود

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری فردی خبر داد که با معرفی خود به عنوان سرهنگ انتظامی، به کلاهبرداری و اخاذی از شهروندان اقدام کرده بود.

به گزارش رکنا، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای درباره جزئیات این خبر گفت: عوامل عملیات کلانتری ۱۰۶ نامجو در حال گشت‌زنی در حوزه استحفاظی خود بودند که فردی را با لباس نظامی و درجه سرهنگی مشاهده کردند. ماموران رفتار این فرد را زیر نظر قرار دادند و مدتی بعد با توجه به رفتار غیرعادی که این فرد از خود بروز داده بود، برای بررسی بیشتر به او نزدیک شدند و درخواست کارت شناسایی کردند.

وی با بیان این که ماموران در همان تحقیقات اولیه متوجه شدند این فرد فاقد هرگونه درجه نظامی است، افزود: در همین راستا کیف همراه متهم نیز بررسی و در پی آن یک عدد اسلحه کلت کمری، یک رشته دست‌بند فلزی، بی‌سیم دستی، دستگاه شوکر، یک تیغه سلاح سرد و کارت شناسایی جعلی با درجه سرهنگی از وی کشف و ضبط شد. همچنین از خودروی متهم که در همان محل پارک بود، تعدادی پلاک تقلبی و تجهیزاتی مثل آژیر و ال ای دی کشف شد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اشاره به انتقال متهم به مقر انتظامی، خاطرنشان کرد: متهم ۴۰ ساله پس از انتقال به کلانتری به بزه ارتکابی به قصد کلاهبرداری از شهروندان اعتراف کرد. او همچنین گفت که تاکنون با همین شیوه از چند تن از شهروندان کلاهبرداری یا اخاذی کرده است.

موقوفه‌ای با بیان این که متهم پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شد، افزود: تحقیقات درباره این پرونده همچنان ادامه دارد. لازم است که شهروندان نیز در صورت مواجهه با چنین افرادی حتما با شماره ۱۱۰ تماس بگیرند.

رئیس پلیس پیشگیری تهران:

مراقب تراشه کارت سوخت خود باشید

رئیس پلیس پیشگیری تهران گفت: مجرم تراشه سرقتی را روی کارت سوخت قدیمی می گذاشت و به افرادی که در کار قاچاق سوخت بودند، تراشه را می فروخت.

به گزارش مشرق، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان درباره سرقت تراشه کارت های سوخت اظهار کرد: دو سرقت، در زمینه تراشه کارت سوخت داشتیم که به یکی از کلانتری های ما گزارش شد.

وی افزود: بعد از گزارش سرقت، همکاران شناسایی های لازم را انجام دادند که مشخص شد زمانی که برخی از شهروندان برای سوخت گیری به پمپ بنزین مراجعه می کردند، برخی کارگران متاسفانه با سوء استفاده از فرصت ،تراشه کارت سوخت را درمی آوردند و تراشه سوخته‌ای را جایگزین آن می کردند.

سرهنگ موقوفه‌ای گفت: مجرم تراشه سرقتی را روی کارت سوخت قدیمی می گذاشت و به افرادی که در کار قاچاق سوخت بودند، تراشه را می‌فروخت.

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت بیان کرد: به شهروندان توصیه می کنم در این زمینه دقت و کارت سوخت و عابر بانک را خودشان در جایگاه‌ها استفاده کنند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای حسین اکبرزاده فرزند ابوالقاسم برابر درخواست وارده به شماره ۱۴۰۱۲۱۷۰۸۰۰۶۰۰-۱۴۰۱/۰۹/۲۳ منضم به دو برگ استشهادیه گواهی شده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نوبت اول از این اداره نموده و مدعیست که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۶۵۷۹ فرعی مجزی شده از ۶۱۰۴ فرعی از یک اصلی واقع در بخش یک فردوس که متعلق به وی می باشد به علت جا به جایی مفقود شده است . با بررسی دفتر املاک معلوم شد سند مالکیت تک برگ شماره مسلسل ۲۰۶۱۵۸ بنام آقای حسین اکبرزاده صادر و تسلیم گردیده و بعدا به موجب اسناد رهنی شماره های ۹۵/۷/۵-۱۱۹۷۹ و ۹۵/۷/۲۲-۱۲۰۶۳ دفترخانه شماره یک فردوس در رهن بانک کشاورزی فردوس قرار گرفته و همچنین ششدانگ مورد ثبت در اجرای دستور شعبه اجرای احکام مدنی دادگستری فردوس بازداشت گردیده که دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. علیهذا با استناد به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی تا چنانچه کسی مدعی سند مالکیت نزد وی می باشد یا معامله ای نسبت با آن انجام داده،می بایست تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد نمود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ شناسه آگهی: ۱۴۲۸۸۷۵

محمود جهانی مهر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردوس

ج/۱۴۰۱۹۸۹۷۴

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی* یک مرحله ای* شماره ۱۴۰۱/۵۹
همراه با ارزیابی کیفی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری
(سهامی خاص) شماره ثبت: ۵۵۰

۱ **مناقصه گزار:** شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری
۲ **موضوع مناقصه:** نیروی انسانی جهت انجام خدمات اداری، فنی تخصصی و پشتیبانی در سطح شرکت گاز استان
۳ **شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد:** مناقصه موضوع فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
لازم به ذکر است کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۳۴۳۶۵ می باشد.
۴ **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه:** ساعت ۱۲ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ می باشد.
۵ **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** تا ساعت ۱۸ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۳ می باشد.
۶ **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** تا ساعت ۱۸ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ می باشد.
۷ **تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی مناقصه:** ساعت ۸ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۸
۸ **تاریخ بازگشایی پاکت پیشنهاد:** ساعت ۹ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۰
۹ **نوع و مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار:** یکی از تضامین معتبر در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران به مبلغ ۱۰/۵۲۰/۰۰۰/۰۰۰ (ده میلیارد و پانصد و بیست میلیون) ریال می‌باشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های **الف:** آدرس: شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری واقع در شهرکرد، خیابان فارابی شمالی به شماره تلفن ۴-۳۳۳۳۹۰۰۲-۰۳۸ (داخلی ۲۰۸۱)
چاپ نوبت اول: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۸
چاپ نوبت دوم: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۹
روابط عمومی شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری